

تحلیل بازنمایی رسانه‌های غربی درباره‌ی سردار شهید قاسم سلیمانی

دکتر محسن معارفی^۱

چکیده:

تصویری که در بازنمایی رسانه‌های غربی درباره‌ی سردار شهید سلیمانی ارایه شده، به وضوح به دو بخش «پیش از شهادت» و «بعد از شهادت» ایشان قابل تقسیم است. شهید سلیمانی در بازنمایی رسانه‌های غربی پیش از شهادت فرماندهی پرصلابت است که با سرسختی استراتژی جمهوری اسلامی ایران را در خط مقدم میدان‌های رزم دنبال می‌کند و البته دشمن بسیار سرسختی برای آمریکا و مانعی برای منافع آنهاست و در رسانه‌ها صحبتی از اینکه او فردی تروریست است که افراد بی‌گناه را ترور می‌کند، در میان نیست. اما بازنمایی رسانه‌های غربی بعد از شهادت ایشان به گونه‌ی متفاوتی ترسیم شده است. در تحلیل‌ها و اخبار رسانه‌ای بعد از شهادت سردار سلیمانی اگرچه گاه تحلیل‌های بسیار مفیدی وجود دارد، لیکن به وضوح می‌توان دید که سیر اصلی آنها در مسیری متفاوت از گذشته قرار گرفته است و تلاش می‌شود «فرماندهی ضد داعش» به «تروریست درجه یک» تبدیل شود. اطلاعات مورد نیاز عمدتاً با روش کتابخانه‌ای و با بررسی مهمترین رسانه‌های انگلیسی زبان گردآوری شده و با روش تحلیلی-توصیفی مورد مطالعه قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: قاسم سلیمانی، رسانه، ترور، ترامپ، آمریکا

مقدمه

در دنیای جدید، رسانه‌ها بر شیوه‌هایی که در آن عامه‌ی مردم اطلاعات را درباره‌ی مسائل سیاسی استنباط می‌کنند، تأثیر می‌گذارند (ربیعی: 1387). رسانه‌ها امروز فراتر از مرزهای زبانی، فرهنگی و طبقه‌ی اجتماعی در شکل‌گیری افکار عمومی ایفای نقش می‌کنند و تأثیرات گسترده‌ای بر بافت‌های اجتماعی و سیاسی دارند. اگرچه بعد از جنگ سرد با افزایش استقلال رسانه‌ها، تأثیر سیاست‌گذاران بر افکار عمومی کاهش یافت، با اینحال همچنان بسیاری از رسانه‌ها، در سیاست‌های کلان خود همچنان منافع و تعصبات سیاسی خود را دنبال می‌کنند. در این مقاله می‌خواهیم به این سوال پاسخ دهیم که: بازنمایی رسانه‌ای غرب درباره‌ی شهید قاسم سلیمانی در جهت‌دهی افکار عمومی مردم تا چه اندازه مبتنی بر اخلاق رسانه‌ای بود؟

¹ عضو هیأت علمی جامعه المصطفی، رئیس پژوهشکده‌ی علوم انسانی

مفهوم بازنمایی در رسانه‌ها عبارت است از: «ساختی که رسانه‌های جمعی از جنبه‌های مختلف واقعیت مثل افراد، مکان‌ها، اشیاء، اشخاص، هویت‌های فرهنگی و دیگر مفاهیم مجرد ایجاد می‌کنند (گی و روی: 2003)». افکار عمومی برداشت توده‌ی مردم از واقعیتی است که در سایه‌ی اطلاعاتی که به آنها ارائه داده شده، گسترش یافته است (ربیعی: 1387) و نهایتاً اخلاق رسانه‌ای ناظر به قواعد اخلاقی ناظر به رفتار رسانه‌ها از منظر بایسته‌های اخلاقی است (قاسمی: 1393).

در این پژوهش اطلاعات مورد نیاز عمدتاً با روش کتابخانه‌ای و با بررسی مهمترین رسانه‌های انگلیسی زبان گردآوری شده است تا با روش تحلیلی-توصیفی بتوانیم پاسخی برای این سوال بیابیم. فرضیه‌ی تحقیق این است که بازنمایی رسانه‌های غربی در مورد شهید سلیمانی پیش و پس از ترور ایشان متأثر از منافع و تعصبات سیاسی رسانه‌هاست. برای بررسی صحت و سقم فرضیه‌ی مذکور، بازنمایی رسانه‌های غربی را در دو بخش «پیش از شهادت» و «پس از شهادت» دنبال می‌کنیم.

بازنمایی رسانه‌ای سردار شهید حاج قاسم سلیمانی پیش از شهادت ایشان

بازنمایی رسانه‌ای از سردار شهید حاج قاسم سلیمانی عمدتاً بیانگر ویژگیها، توانمندی‌ها و نوع نگاهی است که رسانه‌های غربی به ایشان داشتند که جز در مواردی که اشاره می‌شود، تقریباً همسو با تصویری است که ج.ا.ایران از ایشان ارائه می‌دهد؛ بنابراین با توجه به ضرورت آشنایی بیشتر خوانندگان با شخصیت ایشان و نیز مراعات ایجاز، این بخش با دو هدف آشنایی اجمالی با شخصیت ایشان و بازنمایی رسانه‌ای غربی پیش از شهادت ایشان به صورت زیر ترسیم می‌شود.

سردار سپهد شهید حاج قاسم سلیمانی از سال 1376 فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر عهده گرفت. فرماندهی کم‌نقص و ویژگی‌های شخصیتی او توانست استراتژی جمهوری اسلامی ایران را در خط مقدم مبارزه با رژیم صهیونیستی و بدخواهان ایران اسلامی عینیت ببخشد. این امر در مبارزه با پیکارجویان طالبان در سراسر افغانستان، تقویت حزب‌الله لبنان (از جمله در جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان) و گروه‌های مبارز فلسطینی (از جمله در جنگ ۲۲ روزه غزه) نمود عینی یافت. توطئه‌ی جدید غرب و پشتیبانی مالی کشورهای مانند عربستان سعودی، که به شکل‌گیری گروهک‌های تروریستی تکفیری اعم از داعش و جبهه‌النصره به خصوص در دو کشور عراق و سوریه انجامید، عزم شهید سلیمانی را برای مقابله با این تهدیدات

رعب آور جزم کرد. او در عراق «حشد الشعبی» و در سوریه «بسیج مردمی» (قوات دفاع وطنی) را شکل داد و با درخواست رسمی دولت‌های سوریه و عراق و کمک، هدایت و مشاوره نیروهایش، طی ۶ سال، به طور مؤثری هرگونه پیشرفت داعش و سایر گروههای شورشی را متوقف کرد (فارین پالیسی). به گفته‌ی نوری المالکی، نخست‌وزیر سابق عراق، هنگامی که آمریکا زنجیره تأمین تسلیحات عراق را قطع کرد و نیروی نظامی عراق دیگر سلاحی برای مبارزه با داعش نداشت، نیروی قدس و شهید سلیمانی در کنار مردم و دولت عراق ایستادند و سریع و قوی امدادرسانی کردند (بی بی سی). با شکست داعش و نقش آفرینی نیروی قدس در سوریه و عراق، یک حلقه مستحکم به نام حلقه مقاومت تشکیل شد و زنجیره ایران، عراق، سوریه و لبنان و فلسطین به هم متصل شد. شهید سلیمانی مهمترین عامل بازطراحی خاورمیانه‌ی جدید مطابق با خواست جمهوری اسلامی ایران بود (گاردین). بی شک این موضوع خلاف خواست آمریکا و اسرائیل بود و آنها نقش بی‌بدیل سردار سلیمانی را در بر آب شدن بسیاری از نقشه‌هایشان به وضوح می‌دیدند و از نفوذ روزافزون قدرت معنوی و سیاسی ایران بیمناک‌تر می‌شدند (نیویورکر). شجاعت، توانمندی، تواضع و دیدارهای نزدیک و صمیمی‌اش با مردم عادی، ساده زیستی و سفرهای مکرر و بدون تشریفات قاسم سلیمانی به کشورهای منطقه باعث تعجب دشمنانش بود و او را در رسانه‌های همگانی به شخصیتی شناخته شده و فرماندهی پر صلابت تبدیل کرد. وی تنها فرمانده نظامی منطقه بود که در محافل سیاست خارجی آمریکا شناخته شده بود (فارین پالیسی). این جمله‌ی او که «خط مقدم رزم بهشت گمشده‌ی مردان است»^۲ در رسانه‌های بین‌المللی در سال ۲۰۰۹ بازتاب فراوانی داشت. آزادی عمل در یک افق زمانی طولانی از او فرمانده‌ای موثر ساخته بود که حسادت و رشک بسیاری از متخصصان نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده را که از این آزادی عمل و افق زمانی طولانی محروم‌اند، برانگیخته بود (فارین پالیسی).

«دیوید پترائوس» فرمانده پیشین سنتکام درباره مواجهه با قاسم سلیمانی می‌گوید: «ما قاسم سلیمانی را یک انسان بسیار توانمند، کاریزماتیک، ماهر، از نظر حرفه‌ای شایسته و... [از دیدگاه آمریکایی] اهریمنی شرور دیدیم.» (بی بی سی) رسانه‌های غربی القاب مختلفی به شهید سلیمانی دادند؛ «فرمانده‌ی در سایه»، «قدرتمندترین عامل بازطراحی خاورمیانه‌ی جدید»، «کابوس اسرائیل»، «مغز متفکر نظامی ایران»، «دشمن

² The warfront is mankind's lost paradise.

شایسته»، «فرماندهای قابل احترام»، «مردی که همه جا هست»، «دشمنی تحسین برانگیز» و «شوالیه‌ی سفید»، «رهبر مطمئن و باثبات»، «یک استراتژیست محاسبه‌گر» و «عمل‌گرایی زیرک» بخشی از عنوان‌هایی است که رسانه‌ها و شخصیت‌های نظامی و سیاسی غربی پیش از ترور ایشان به شهید سلیمانی داده‌اند.

موفقیت‌های زیاد او در عرصه‌های نبرد - و قرار گرفتن او در وضعیت به اصطلاح ژنرال پیروز^۳ - باعث شد شهید سلیمانی از «فرماندهی در سایه» به شخصیتی همچون ستاره‌ی یک برنامه‌ی زنده و پربیننده‌ی تلویزیونی تغییر وضعیت بدهد (بی بی سی) تا نام او نیز در در میدان‌های رزم ریشه بر تن دشمنان بیاندازد. این سیاست توسط تهران دنبال شد و مردم ایران که جنگجویان جنایتکار داعش را نزدیک مرزهای خود می‌دیدند، به نقش او در مبارزه با تروریست‌ها در فرامرزهای ایران بیشتر پی بردند. محبت مردم وقتی به شهید سلیمانی بیشتر شد که با تواضع، فروتنی، صداقت، ایثار و فداکاری، خلوص و بی‌ریایی و دیگر ویژگی‌های شخصیتی او آشنا شدند. در یکی از آخرین نظرسنجی‌ها از مردم ایران که در توسط دانشگاه مریلند انجام شد و در اکتبر 2019 (آبان 1398، سه ماه پیش از شهادت وی) منتشر شد، شهید سردار سلیمانی در بین هفت شخصیت سیاسی ایران، با فاصله‌ی بسیار زیادی به عنوان محبوب‌ترین شخصیت سیاسی کشور معرفی گردید. در آگوست 2019 (مرداد 1398) 82 درصد مردم نسبت به او نظر مطلوب داشته‌اند که 59 درصد آنها نظرشان بسیار خوب بوده است. سردار سلیمانی نزد ایرانیان به شخصیتی اسطوره‌ای و دینی و نمادی از وحدت ملی تبدیل شده بود که مردم ایران در سیمای او هم عباس علمدار را دیدند که بسان «شهید زنده‌ی انقلاب» از ارزش‌های اسلامی دفاع می‌کند و هم آرش کمانگیر را که برای تمام ارضی ایران چونان «سرباز وطن و فرزند شایسته‌ی ایران» تا پای جان می‌ایستد. القابی که از نگاه بسیاری از رسانه‌های غربی نیز دور نماند. محبت او منحصر در ایران نبود و او حتی در منطقه به چهره‌ی اسطوره‌ای تبدیل شده بود. او حتی در بین عراقی‌هایی که احساس می‌کردند ایران در امور آنها دخالت می‌کند، محبوب بود؛ چرا که خودشان دیده بودند چطور شهید قاسم سلیمانی به دفاع از جنوب در برابر داعش پرداخت و چگونه در اربیل با مقادیر عظیمی سلاح ظاهر شد تا بتواند از کردها دفاع کند (گاردین).

³ Victorious General

بنابراین در بازنمایی رسانه‌ای پیش از شهادت سردار سلیمانی، هیچ صحبتی از اینکه او فردی تروریست است که افراد بی‌گناه را ترور می‌کند، در میان نیست. تمام آنچه درباره‌ی او گفته می‌شود این است که دشمن بسیار سرسختی برای آمریکایی‌هاست که نمی‌گذارد آنها آب خوش از گلویشان پائین برود و به راحتی به منافع و اهدافشان در منطقه برسند و به تعبیر «مارک کیمیت» سخنگوی سابق نیروهای ائتلاف در عراق، باعث افتخار ارتش آمریکا بود اگر فرماندهی چون او در بین آنها بود و نه در جبهه مقابل آمریکا (الجزیره). فرماندهی پرصلابت که با سرسختی استراتژی جمهوری اسلامی ایران را در خط مقدم میدان‌های رزم دنبال می‌کند و موازنه‌های قدرت و خاورمیانه را به گونه‌ای بازطراحی می‌کند که خواست جمهوری اسلامی ایران است.

این فرمانده خستگی‌ناپذیر صبحگاه جمعه ۱۳ دی‌ماه ۱۳۹۸ در پی حمله نظامی آمریکایی‌ها در فرودگاه بغداد به شهادت رسید. در این حمله همراه با شهید سلیمانی، ابومهدی المهندس از مهمترین فرماندهان حشد الشعبی عراق و شمار دیگری از رزمندگان ایرانی و عراقی به شهادت رسیدند. حمله فوق به دستور مستقیم رئیس جمهوری ایالات متحده صورت گرفت.

بازنمایی رسانه‌ای سردار شهید حاج قاسم سلیمانی پس از شهادت ایشان

بعد از شهادت سردار سلیمانی، رسانه‌های غربی مطالب بسیار زیاد و متنوعی را درباره‌ی او منتشر کردند تا افکار عمومی را در سایه‌ی اطلاعاتی که به مردم ارائه می‌کنند، شکل بدهند. با توجه به کثرت این نوشته‌ها، برای هر گونه داوری و قضاوت لازم است مهمترین مطالب و رویکردهای این رسانه‌ها را به شرح زیر بررسی کنیم:

الف) «ترور» یا «کشتن و حذف»

چنانچه در قریب به اتفاق دائره‌المعارف‌های حقوقی گفته شده است «ترور»^۴ عملی مجرمانه است که مواقعی استفاده می‌شود که یک فرد معمولاً دارای منصب رسمی به دلایل مختلف سیاسی، مذهبی و فکری به طور غافلگیرانه و بدون رویه‌ی قانونی مناسب توسط مخالفینش کشته می‌شود. ترور یک جرم سیاسی غیرقابل انکار و یک جنایت جنگی است.^۵ در این حالت «قربانی» و «تروریست» در حالت جنگ رسمی

^۴ Assassination

^۵ www.law.jrank.org

نیستند. در غیر این صورت واژه‌هایی چون کشتن^۶ و یا حذف کردن^۷ استفاده می‌شود؛ چنانچه واژه‌ی ترور هیچگاه برای کشتن افرادی چون البغدادی استفاده نشد؛ چرا که او فردی با جایگاه رسمی و قانونی نبود و گروهک آنها و آمریکا در وضعیت جنگ رسمی بودند.

در اولین ساعات بازتاب خبر شهادت سردار سلیمانی، مهمترین رسانه‌های غرب از جمله BBC News, NBC News, DW News, Time, The Guardian و ... خبر را احتمالاً به خاطر شتاب در تنظیم خبر (و البته با تدبیر غیبی الهی) با عنوان «ترور قاسم سلیمانی» پوشش خبری دادند که معنای ضمنی آن این بود که آمریکا مرتکب جنایت شده است. بعد از فروکش کردن تب خبری این جنایت فجیع، تقریباً این رسانه‌ها در یک اقدام هماهنگ در خبرهای بعدی خود از واژه‌ی «کشتن» استفاده کردند. ولی افکار عمومی با همان «ترور» شکل گرفته بود و حال دولت آمریکا که رسماً اعلام کرده بود این اقدام به دستور مستقیم رئیس جمهور ترامپ انجام شده است، می‌بایست در جایگاه یک «دولت تروریست» در برابر افکار عمومی مردم جهان پاسخگو باشد. این امر باعث شد کارشناسان علمی و سیاسی خیلی سریع‌تر و راحت‌تر نسبت به محکومیت و ترور بودن این اقدام موضع‌گیری کنند؛ به طور مثال خانم مری الن اوکانل، کارشناس حقوق بین الملل و قوانین جنگ در دانشکده حقوق دانشگاه نوتردام درباره‌ی این اقدام دولت آمریکا گفت: کشتن هدفمند یک مقام بلندپایه دولتی و نظامی ایران با یک حمله غافلگیرانه بدون اینکه حالت جنگی بین دو کشور باشد «آشکارا یک ترور بود. (Daniszewski:2020) غیر قانونی بودن ترور سردار شهید سلیمانی به سرعت در بسیار از محافل خبری و سیاسی به دلایل زیر مطرح شد:

- 1) حضور نیروهای آمریکا در عراق بر اساس توافقنامه‌های امنیتی برای مبارزه با گروه تروریستی داعش بود و قرار بود که تمام تحرکات نظامی آمریکا در خاک عراق با هماهنگی دولت مرکزی انجام پذیرد.
- 2) سردار سلیمانی و ابومهدی المهندس، از فرماندهان ارشد سپاه و الحشد الشعبی در ایران و عراق بودند که هر دو جزو نیروهای نظامی کاملاً رسمی ایران و عراق و تحت امر فرماندهی کل نیروهای مسلح کشورهاشان هستند. ترور فرماندهان نظامی و رسمی یک کشور نقض صریح حاکمیت این کشورها و نوعی تجاوز نظامی به

⁶ Killing

⁷ Eliminating

آنها محسوب می‌شد؛ به خصوص اینکه حضور سردار سلیمانی در عراق با دعوت رسمی آن کشور انجام شده بود و یک حضور مخفی و عملیاتی نبود. در واقع آمریکایی‌ها شیفته و فریفته‌ی لفاظی‌های خود شده بودند که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به عنوان یک سازمان تروریستی تعیین کردند، لکن از نظر حقوقی، فایده‌ای بر این گونه لفاظی‌ها مترتب نیست و در عرف حقوقی این اعلام دولت آمریکا، سپاه و حشد الشعبی را از اینکه آنها بخشی از نیروی نظامی رسمی یک کشور مستقل هستند، نمی‌اندازد و عملکرد آنها را همانند یک سازمان سازمان تروریستی نمی‌کند (گاردین).

3) اگرچه همواره جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده‌ی آمریکا، مخالف سیاست‌های یکدیگر بودند و حتی یکدیگر را متهم به جنگ در سایه و نیابتی می‌کردند؛ ولی هیچگاه میان ایران و آمریکا حالت جنگ مسلحانه وجود نداشته است تا طبق قوانین جنگی هدف‌گیری نظامیان دشمن را موجه و مشروع نماید. ایالات متحده برای اینکه این «ترور دولتی» را توجیه کند، سعی نمود آن را در قالب دفاع مشروع از خود و ترور هدفمند قرار دهد؛ در حالی که برای استناد به این دکترین، باید وجود «تهدید قریب‌الوقوع»⁸ از سوی دولت مدعی دفاع اعلام و اثبات شود. به سرعت عبارت «تهدید قریب‌الوقوع» در بسیاری از رسانه‌ها و مجامع علمی، حقوقی و سیاسی به عنوان کلید واژه‌ی توجیه ترور شهید سلیمانی به بحث گذاشته شد.

اظهارات متناقض و مختلف مقامات آمریکایی در بیانیه‌های پنتاگون، سخنرانی‌ها و توئیت‌های رئیس‌جمهور، وزیر خارجه، وزیر دفاع و دیگر مقامات آمریکایی نشانگر نه تنها بیانگر فقدان چنین مدارک و شواهدی بود، بلکه افکار عمومی را نیز متعجب ساخت. ترامپ بعد از عملیات ترور، بلافاصله بیان کرد که تروریست شماره یک جهان را کشته است زیرا او حمله‌ای قریب‌الوقوع و شیرانه‌ای را علیه دیپلمات‌ها و کارکنان آمریکایی تدارک دیده بود. ترامپ در گفت و گو با فاکس نیوز مدعی شد که سردار سلیمانی قصد حمله به چهار سفارتخانه آمریکا را داشته است؛ پایگاه «دیلی بیست» در گزارشی نوشت این اظهارات، به عنوان کشف جزئیاتی از علت ترور شهید سلیمانی، همچنان بدون هیچ مستندی مطرح و حتی باعث تعجب و غافلگیری اعضای تیم امنیت ملی شده است تا آنجا که وزیر دفاع آمریکا مجبور شد در مصاحبه‌ای اذعان کند که دستکم او از وجود چنین تهدیدی خبر نداشته است. نهایتاً معلوم شد ترامپ بخشی از آنچه که در جلسات

⁸ Imminent Threat

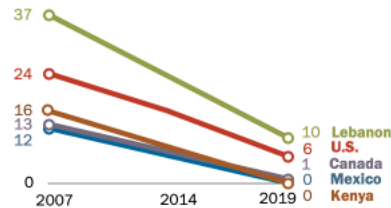
توجیهی با مقام‌های امنیتی شنیده است را با غلو و تحریف مطرح کرده است و حمله به سفارت‌ها، به عنوان اهداف احتمالی ایران بوده و نه اینکه ایران در واقع و به صورت فعال در حال برنامه‌ریزی برای حمله به این اهداف باشد. ترامپ که تحت فشار قرار گرفته بود مستندات و اطلاعات خود را که نشان دهد ترور شهید سلیمانی به خاطر اطلاع از «تهدیدی قریب الوقوع» بوده است، نوشت: این که باید حتما تهدیدی قریب‌الوقوع در کار باشد، واقعا موضوع مهمی نیست! مهم این است که او گذشته‌ی وحشتناکی داشته است! و بالاخره در سخنرانی خود خطاب به حامیان مالی حزب جمهوری خواه گفت: «او حرف‌های بدی درباره کشور ما (آمریکا) می‌زد. ما چقدر باید به این حرف‌های چرند گوش می‌دادیم؟!»

علیرغم جشن و شادی مصنوعی ترامپ و متحدانش از این اقدام سخیف، بسیاری از خبرگان علمی و سیاسی، این اقدام را نه نشانه‌ی قدرت ترامپ، بلکه دلیلی بر ضعف او ارزیابی کردند. در واقع تصمیم ترامپ برای تشدید خصومت با ایران، نشانگر عدم موفقیت «استراتژی فشار حداکثری» اوست. برای ترامپ که «دیپلماسی» را به عنوان ابزاری برای محدود کردن ایران در سال 2018 رها کرد و در عوض تصمیم گرفت از مجازات‌های اقتصادی برای فشار حداکثری بر ایران استفاده کند، بسیار سخت و دشوار بود که ببیند نه تنها کارهایش نتیجه‌ای نداشته، بلکه برعکس ایران برنامه هسته‌ای خود را با ابعاد وسیع‌تری پیش می‌برد و با قدرت بیشتری در منطقه عمل می‌کند (گاردین). این ترور غیرقانونی و خشونت بار در واقع از سر استیصال و درماندگی او بود که نتیجه‌ای جز بدنام‌تر شدن ایالات متحده در جهان نخواهد داشت. خصوصا آنکه گزارشی که مرکز نظرسنجی Pew تهیه کرد نشان میداد علیرغم تلاش روزافزون ترامپ در پروژه‌ی ایران هراسی، پیش از ترور شهید سلیمانی، سال هاست که نظر مردم بسیاری کشورها از جمله مردم آمریکا نسبت به ایران بهبود یافته است و ایران را تهدیدی برای خود نمی‌شمارند.

Before Soleimani's death, concerns about Iran as a threat had fallen in many countries, including the U.S.

% who say Iran is the country or group that poses the greatest threat to their country in the future

50%



Note: Figures represent results of an open-ended question, where interviewers selected from a precoded list.

Source: Spring 2019 Global Attitudes Survey, Q23.

PEW RESEARCH CENTER

ب) سانسور خبری هماهنگ در مهمترین شبکه‌های اجتماعی

با قرار گرفتن دولت آمریکا در موضع انفعالی، مدعیان جریان آزاد اطلاعات تصمیم گرفتند بخشی از اطلاعات واقعی درباره ترور شهید سلیمانی را در تاریکی قرار دهند و جریان اطلاعات را یکسویه کنند. با فشار دولت آمریکا مهمترین رسانه‌های اجتماعی دنیا (فیس بوک، توئیتر و اینستاگرام) تمام پست‌هایی که به ترور شهید سلیمانی اعتراض کرده بود را سانسور کردند و حساب بسیاری از کاربران را به حالت تعلیق درآوردند (ای بی سی). دن کوهن، فیلمساز و خبرنگار آمریکایی که مدتی در خاورمیانه حضور داشته است، بعد از شهادت سردار سلیمانی ویدئویی را در صفحه‌ی فیس بوک خود به اشتراک گذاشت که نشان می‌داد چگونه رسانه‌های هماهنگ غرب سعی می‌کنند «فرماندهی ضد داعش» را به «تروریست درجه‌ی یک» تبدیل کنند؛ البته فیس بوک پست او را حذف کرد. غول رسانه‌ای فیسبوک این سانسورها را پذیرفت و اعلام کرد این حذف به خاطر تبعیت از قوانین تحریم ایالات متحده آمریکا شکل گرفته است! به هر حال انجمن بین المللی روزنامه نگاران (IJF)⁹ نسبت به این امر اعتراض کرد. دولت ج.ا.ایران نیز اعلام کرد در برابر این سانسور، اقدام قانونی بعمل خواهد آورد.

ج) فراگیر شدن ترس ناشی از سایه‌ی جنگ در آمریکا

ترور سردار شهید سلیمانی تنش بین ایران و آمریکا را به حداکثر رساند و بسیاری از رسانه‌ها و شخصیت‌های سیاسی آنرا به آتش زدن انبار باروت تشبیه کردند و درباره‌ی به لرزه درآمدن منطقه و وقوع جنگ

⁹ International Federation of Journalists

بین ایران و آمریکا هشدار دادند. برخی نیز گفتند شاید تاریخ در آینده، این لحظه را زمان آغاز دگرگونی‌ها بنامد. پیش‌تر رسانه‌های غربی این گفته‌ی سردار شهید سلیمانی را منعکس کرده بودند که خطاب به ترامپ گفته بود: «این جنگ را شما شروع می‌کنید اما پایانش را ما ترسیم می‌کنیم.» تحلیل‌گران نسبت به پیامدهای مبهم و گستره‌ی نامعلوم این جنگ هشدار دادند. بسیاری از سران کشورها در تماس با مقامات ایران و آمریکا خواستار خویشتنداری طرفین شدند و دبیر کل سازمان ملل اظهار کرد که خاورمیانه تاب جنگ جدیدی را ندارد. بسیاری از مردم آمریکا با حمل پلاکاردهای ضد جنگ با ایران، به خیابان آمدند. مسئولان ایران تأکید کردند این ترور یک اقدام نظامی بوده و سوگند خوردند به آن پاسخ نظامی فراخور خواهند داد. تصویر شهید سلیمانی با عبارت «انتقام سخت» یک شبه در همه جای ایران نصب شد که همه، گمانه‌ی جنگ را تقویت می‌کرد. پرچم قرمز از مناره‌ها بالا رفته که در فرهنگ تشیع نشانه‌ی خون به ناحق ریخته شده و فراخوانی برای انتقام است (گاردین). رئیس‌جمهور ایران گفت شهروندان آمریکایی برای سالهای متمادی اثر این اقدام نابخردانه را لمس خواهند کرد و البته مقامات ایرانی اعلام می‌کردند که زمان و مکان آن متعاقبا اعلام می‌شود. گریه‌ی آشکار مقام معظم رهبری هنگام نماز گزاردن بر پیکر شهید سلیمانی که به تعبیر رسانه‌های غربی در بروز احساس خود بسیار هوشمندانه عمل می‌کند، دیگر جای شکی نگذاشت که باید منتظر اقدامات نظامی ایران در ابعادی نامعلوم باشند. این وضعیت «ترس» را تا درون خانه‌های ساکنان آمریکا کشاند. پیش‌تر رسانه‌ها گفته بودند سلیمانی و یارانش در سپاه قدس تقریباً همه جا حضور دارند و آنها فقط طی دو سال، حدود سی عملیات را از شرق آسیا گرفته تا آفریقا و آمریکا هماهنگ کرده و در یک مورد، هماهنگی را از سر میز یک رستوران که تنها چند مایل با کاخ سفید فاصله داشته، انجام داده‌اند (نیویورکر: 2013). انتظار برای «اقدام جنگی تلافی جویانه‌ی ایران» افکار عمومی آمریکا را به خود مشغول کرده بود. هشتک‌های «جنگ جهانی سوم» و «ایران عزیز»¹⁰ در توئیتر بین کاربران آمریکایی ترند شد که بیانگر ترس مردم و جوانانی بود که به زبان جدی و طنز می‌خواستند ایران به آنها حمله نکند و دست به اقدام جنگی نزد. با توجه به اینکه این ترس حتی به کودکان آمریکایی نیز سرایت کرده بود، مقالاتی درباره اینکه با کودکان چگونه در این باره صحبت کنیم، منتشر شد. از جمله خبرگزاری تایم سه روز بعد از ترور شهید سلیمانی مقاله‌ای در این باره منتشر کرد و توضیح داد که اگر والدین در این باره نیاز

¹⁰ Dear Iran

به کمک دارید، ما در این مقاله نوشته‌ایم چطور این وضعیت را به کودکانان توضیح دهید. در پایان نیز راهکارهایی از یک روانشناس برای آرام کردن بچه‌ها ارائه کرده است.

مراکز مختلفی از جمله وزارت امنیت آمریکا گزینه‌های محتمل حمله‌ی نظامی ایران را برشمردند که حملات سایبری، حمله به تأسیسات آمریکا، ترور دیپلمات‌ها و نظامی‌ها از جمله‌ی آنها بود (گاردین). ترامپ که خود از این ترس مصون نمانده بود، در توثیت خود دیوانه‌وار گفت: اگر ایران به هر یک از پایگاه‌های نظامی ما و یا به یک آمریکایی حمله کند، بدون درنگ 52 نقطه‌ی ایران از جمله برخی مراکز خیلی مهم فرهنگی شان را مورد حمله قرار می‌دهیم. اظهاراتی که بسیاری آنرا محکوم و ناشی از عصبانیت و درماندگی ترامپ دانستند.

(د) برانگیخته شدن موج انتقادات علیه ترامپ

توثیت‌های ترامپ نشان می‌دهد که او چنین برداشت کرده است که «پیش رفتن به سوی جنگ با ایران» محبوبیتش را در آمریکا افزایش و شانس انتخاب مجددش را مضاعف خواهد کرد. او از ۹ سال پیش، بارها و بارها او‌باما را به استفاده‌ی ابزاری از این حربه متهم کرده بود. به طور مثال ترامپ در توثیت ۲۹ نوامبر سال ۲۰۱۱ (۸ آذر ۱۳۹۰) گفته بود: «باراک او‌باما برای پیروز شدن در انتخابات، جنگی را علیه ایران به راه خواهد انداخت». در سال 2012 نیز تأکید کرد که «جمهوری‌خواهان مراقب باشید و نگذارید او‌باما با کارت ایران بازی کند و جنگ به راه بیندازد تا دوباره انتخاب شود». او که در کارزارهای انتخابی به حامیان جمهوری‌خواهش مکرر اعلام کرده بود که باید به این «جنگ احمقانه بی پایان خاورمیانه» خاتمه داد، حال با اقدامی به مراتب عمیق‌تر و خشونت آمیزتر از رقبایش، ماشه‌ی جنگی را کشیده بود که بسیاری پایان آن را نامعلوم و ابعاد آنرا فراتر از خاورمیانه می‌دانستند.

در آن سوی مرزهای ایالات متحده آمریکا نیز قریب به اتفاق نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که بسیاری از مردم جهان ترامپ را خطرناکترین و غیرقابل اعتمادترین رئیس جمهور آمریکا می‌دانند. بر اساس نظرسنجی مرکز پژوهشی Pew اعتماد مردم 37 کشور به رئیس جمهور آمریکا از 64 درصد در پایان دوره‌ی او‌باما به 22 درصد در دوره‌ی ترامپ کاهش یافته بود. اقدام نابخردانه‌ی ترامپ که به دلایل واهی و غیرمستند آمریکا را به آستانه‌ی جنگی غیرقانونی با ایران و بدون موافقت کنگره کشانده بود و تناقض‌گویی‌های مکرر او، موج انتقاد علیه

ترامپ را به راه انداخت و این سؤالات کلیدی در بسیاری از رسانه‌های غربی توسط اندیشمندان و سیاستمداران در خارج و داخل ایالات متحده منعکس شد که آیا هوشمندانه است که آمریکا «هنجارهای بین المللی موجود علیه کشتن مقامات خارجی» را زیر پا بگذارد و جهان را به سمت بی‌ثباتی بکشانند؟ آیا این گونه اقدامات امنیت آمریکائی‌ها را در سراسر دنیا کاهش خواهد داد یا افزایش؟ و اینکه «چرا؟ و چرا اکنون؟»

برخی نظرسنجی‌ها نشان می‌داد که اکثر مردم آمریکا بر این باورند که پس از این ترور نظامیان و شهروندان آمریکایی به مراتب کمتر از قبل امنیت دارند (یواس‌ای تودی). بسیاری نیز ترامپ را متهم کردند که در آستانه‌ی استیضاح، با استفاده از سیاست «جلب توجه به دم سگ»¹¹، خواسته با بردن ایالات متحده به لبه‌ی جنگ و ایجاد یک مسأله‌ی امنیت ملی، توجه مردم را به امر دیگری بکشاند (گاردین). با اینحال این اقدام نه تنها باعث افزایش محبوبیت ترامپ نشد، بلکه او را فردی بی‌برنامه، مغرور و گستاخ معرفی کرد که نه تنها هیچ راهبرد خاصی برای حراست از منافع ملی و امنیتی کشور ندارد، بلکه با این اقدام غیرقانونی، او در جایگاه یک «تروریست در کت و شلوار» قرار گرفته است. مجلس نمایندگان آمریکا با 224 رای موافق، در مقابل 194 رای مخالف، خواستار کاهش اختیارات جنگی ترامپ در منازعات نظامی شد.

انعکاس گزینشی اخبار، تزویر و رفتار دوگانه‌ی دولت آمریکا و رسانه‌های وابسته

مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا در پی اقدام تروریستی کشورش در پیام توئیتری، با ارائه‌ی فیلمی از چند جوان، با وارونه جلوه دادن واقعیت مدعی شد که عراقی‌ها از این اقدام شاد هستند و در خیابان‌ها پایکوبی می‌کنند! او وقتی با «دریای انسانی» در تشییع پیکر مطهر شهید سلیمانی در عراق و ایران مواجه شد، با توهین به مردم عزادار، آن را ناشی از جو استبدادی و نمایشی حکومتی خواهند که با منابع حکومتی در مراسم حضور یافته‌اند.

دو روز بعد از شهادت سردار سلیمانی «عادل عبدالمهدی»، نخست وزیر موقت عراق، در جلسه پارلمان این کشور اعلام کرد که شهید سپهبد «قاسم سلیمانی» برای انتقال پیام ایران به عربستان و در راستای تنش‌زدایی بین دو کشور وارد بغداد شده و قرار بوده است ساعت ۸:۳۰ دقیقه به وقت محلی با وی دیدار کند و پاسخ ایران به عربستان را تسلیم وی کند. این اظهارات که «عمق فاجعه‌ی تروریست دولتی» را

¹¹ Wag the dog

نشان می‌داد به طور هدفمندی در بسیاری رسانه‌های آمریکایی و غربی بازتاب چندانی نیافت. در واکنش به این خبر، پمپئو در یکی از جلسات و در پاسخ به سؤال حاضرین، با گستاخی و ریشخند، بدون ارائه‌ی هیچ سندی این مسأله‌ی مهم را انکار کرد و گفت: از کی تا حالا چنین مرد مهربانی و چنین دیپلمات درجه‌داری را برای ارسال پیامی صلح آمیز به بغداد مأمور می‌کنند! ما می‌دانیم که این درست نیست (یورونیوز).

چنانچه گذشت اگرچه رسانه‌های غربی در چندین نوبت از سهم شهید سلیمانی در مبارزه با تروریست (اعم از طالبان و داعش) سخن گفته بودند؛ با اینحال بعد از ترور وی، با هدایت رئیس جمهور آمریکا، سعی کردند شهید سلیمانی را یک تروریست معرفی کنند هر چند نتوانستند توفیقی در این زمینه بیابند و حتی در داخل آمریکا بسیاری از سیاستمداران و هنرمندان نسبت به این رویه‌ی تزویر و نفاق موضع گرفتند. مایکل مور، مستندساز آمریکایی، در این باره خطاب به آمریکایی‌ها نوشت: آیا می‌دانستید که او دشمن شماست؟ نشنیده‌اید؟ تا پایان امروز به شما آموزش داده می‌شود که از او متنفر باشید.

بسیاری از رسانه‌های غربی حضور پرشور مردم خوزستان، مشهد، تهران، قم و کرمان را در تشییع پیکر شهید سلیمانی، جمعیتی هزاران نفری خواندند و با ایجاد شبهه درباره تعداد و انگیزه‌ی تشییع کنندگان سعی در کاهش اعتبار این حماسه بزرگ گذاشتند. همین رسانه‌ها سانه‌ی ناگوار سقوط هواپیما مسافربری اوکراینی و اعتراضات بعد از آن را لحظه‌ی چرنوبیل برای نظامی اسلامی نامیدند (سی‌ان‌ان) و با شوق و ذوق هتاک‌ی به پوستر شهید سلیمانی را پوشش خبری دادند تا با وارونه‌نمایی واقعیت، برای قلب نمودن شخصیت اسطوره‌ای شهید سلیمانی طرفی ببندند.

جمع بندی و نتیجه گیری

تصویری که در بازنمایی رسانه‌های غربی درباره‌ی سردار شهید سلیمانی ارایه شده است، به وضوح به دو بخش «پیش از شهادت» و «بعد از شهادت» ایشان قابل تقسیم است. شهید سلیمانی در بازنمایی رسانه‌های غربی پیش از شهادت فرماندهی پرصلابت است که با سرسختی استراتژی جمهوری اسلامی ایران را در خط مقدم میدان‌های رزم دنبال می‌کند و موازنه‌های قدرت و خاورمیانه را به گونه‌ای بازطراحی می‌کند که خواست

جمهوری اسلامی ایران و در تضاد با منافع آمریکایی‌ها در منطقه است. او «فرمانده‌ای قدرتمند»، «مغز متفکر نظامی ایران»، «محاسبه‌گر و عمل‌گرا» و البته دشمن بسیار سرسختی برای آمریکایی‌هاست که نمی‌گذارد آنها به راحتی به اهدافشان در منطقه برسند. در رسانه‌ها صحبتی از اینکه او فردی تروریست است که افراد بی‌گناه را ترور می‌کند، در میان نیست. اما بازنمایی رسانه‌ای بعد از شهادت ایشان به گونه‌ی متفاوتی ترسیم شد. در تحلیل‌ها و اخبار رسانه‌ای بعد از شهادت سردار سلیمانی اگرچه تحلیل‌های بسیار مفیدی (همانند غیرقانونی بودن این ترور نابخراندنی توسط رئیس‌جمهور گستاخ و تروریست آمریکا) وجود دارد، لیکن به وضوح می‌توان دید که بازنمایی این رسانه‌ها در مورد شهید سلیمانی پیش و پس از ترور ایشان متأثر از تعصبات و منافع سیاسی آنهاست و فرضیه‌ی تحقیق در اتخاذ رویکرد متفاوت رسانه‌ای در دو بخش «پیش از شهادت» و «پس از شهادت» درست است. اینکه رسانه‌های آن‌ها تلاش کنند ترور یک فرمانده‌ی شجاع، و البته مخالف آنها، را که عملی برخلاف قوانین جنگ و بشردوستانه است، عملی موجه جلوه دهند و بعد هر فریادی را بر علیه این ظلم آشکار و بین‌المللی خاموش و سانسور کنند و با انعکاس‌گزینی اخبار، مزورانه در جهت منابع سیاسی دولت تروریست آمریکا تلاش کنند، نشان از وابسته بودن این رسانه‌ها و سرسپردگی آنها دارد. که نشان می‌دهد هنوز این رسانه‌ها فاصله‌ی زیادی با «استقلال» و «اخلاق حرفه‌ای» دارند. سیر اصلی آنها در مسیری متفاوت از گذشته قرار گرفته است و تلاش می‌شود «فرماندهی ضد داعش» به «تروریست درجه‌ی یک» تبدیل شود. تلاشی که بار دیگر اعتبار رسانه‌ای آنها را زیر سؤال برد، حیثیت آمریکا را در جهان بیش از پیش خدشه دار نمود و خروش ضد آمریکایی و ضد استکباری را در جهان جانی تازه بخشید.

منابع:

1. ربیعی، علی و فرناز احمد زاده‌ی نامور؛ نظریه‌ی بازنمایی رسانه‌ای و تحلیل افکار عمومی متقابل آمریکایی‌ها و ایرانی‌ها؛ دانش سیاسی، سال چهارم، شماره دوم - پاییز و زمستان 1387
2. قاسمی، میثم؛ اخلاق رسانه در حوزه خبر و اطلاع رسانی با تأکید بر آموزه‌های دینی؛ فصلنامه‌ی علمی پژوهشی پژوهش‌نامه اخلاق؛ سال هفتم، شماره 24؛ تابستان 1393
3. گی و روی استفورد؛ "بازنمایی رسانه‌ای"؛ ترجمه فتاح محمدی؛ مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ای؛

1386

4. Daniszewski, Jone, "Was the drone attack on Iranian general an assassination?", www.apnews.com, January 4, 2020
5. Nancy Gallagher, Ebrahim Mohseni & Clay Ramsay, "Iranian Public Opinion under "Maximum Pressure", A public opinion study, The Center for International and Security Studies at Maryland, October 2019
6. www.abc.net.au
7. www.aljazeera.com
8. www.apnews.com
9. www.bbc.co.uk
10. www.businessinsider.com
11. www.edition.cnn.com
12. www.euronews.com
13. www.foreignpolicy.com
14. www.law.jrank.org
15. www.newyorker.com
16. www.pewresearch.org
17. www.thedailybeast.com
18. www.thegrayzone.com
19. www.theguardian.com
20. www.time.com
21. www.usatoday.com
22. www.washingtonpost.com
23. www.washingtontimes.com